

ارزیابی تحولی کیفیت روابط دوستی نوجوانان

A Developmental Study of Adolescents Friendship: Quality of the Relationships

Adeleh Samimi

MA in Clinical Psychology of
Child & Adolescent

Ali Mazaheri, PhD

Shahid Beheshti University

دکتر علی مظاهری

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

عادلہ صمیمی

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی
کودک و نوجوان

Mahmood Heidari, PhD

Shahid Beheshti University

دکتر محمود حیدری

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تحولی کیفیت ارتباط نوجوانان با دوستان هم‌جنس و غیرهم‌جنس بود. براساس روش نمونه‌برداری در دسترس، ۱۸۲ دانش‌آموز نوجوان دختر و پسر ۱۳، ۱۵ و ۱۷ ساله ساکن شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۰ - ۸۹ مشغول به تحصیل بودند، انتخاب شدند و کیفیت رابطه آنها با دوستان هم‌جنس و غیرهم‌جنس با سیاه شبکه روابط (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵) مورد سنجش قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندعاملی و تحلیل واریانس یک راهه تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که برای دختران مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه گزارش شده با دوست هم‌جنس، عاطفه و خودافشاگری و با دوست غیرهم‌جنس، عاطفه و همنشینی بود. برای پسران نیز مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست هم‌جنس، همنشینی و حمایت‌ورزی و با دوست غیرهم‌جنس، عاطفه و حمایت‌ورزی بود. در هر دو گروه، کیفیت رابطه با دوستان هم‌جنس تحت تأثیر سن و جنس قرار داشت اما در مورد ارتباط با دوست غیرهم‌جنس اثر سن معنادار نبود. افزون بر آن، نتایج نشان دادند که کیفیت رابطه نوجوانان فاقد دوست غیر هم‌جنس با پدر، بهتر از همتاهای دارای دوست غیرهم‌جنس بود.

واژه‌های کلیدی: کیفیت ارتباط، نوجوانان، دوستان هم‌جنس، دوستان غیرهم‌جنس

Abstract

The current research was a developmental study of the quality of adolescent relationships with the same and opposite sex friends. 182 boys and girls adolescents aged 13, 15 and 17 studying in the academic year of 2010-2011 were selected based on available sampling from Tehran and responded to the Network of Relationship Inventory (NRI; Furman & Buhrmster, 1985). Data analysed using MANOVA and ANOVA demonstrated that girls reported affection and disclosure as the most important quality in their friendship with same-sex ones and affection and companionship with opposite-sex ones. For boys the most important quality in their friendship with the same-sex was reported as companionship and nurturance and with opposite-sex affection and nurturance. In both groups of adolescents the quality of relationship with the same-sex was significantly affected by age and gender, while the effect of age on the quality of relationship with the opposite-sex was not significant. Furthermore adolescents without opposite-sex friends showed better relationship quality with their fathers than their peers with opposite-sex friends.

Keywords: quality of relationship, adolescents, same-sex friends, opposite-sex friends

received: 24 December 2011

accepted: 23 June 2012

Contact information: samick_samimi@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۳

پذیرش: ۱۳۹۱/۴/۳

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه

هر ارتباطی به دلیل احساس نیاز شدید انسان برای برقراری تعامل اجتماعی به وقوع می‌پیوندد (بولتون، ۱۳۸۳/۱۹۸۶). براساس نظریه اریکسون^۱، یکی از موفقیت‌های مهم نوجوانان نیل به تعلق و پیوند با دیگران است؛ پیوندی که رابطه گرم، پخته و معنادار با دیگران - افراد هم‌جنس، غیرهم‌جنس، بستگان و دوستان - را دربرمی‌گیرد (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۱). در واقع نوجوانان نیازمند حمایت اجتماعی‌اند و در خلال روابط خود آن را دنبال می‌کنند. منابع حمایت‌های اجتماعی نیز ارتباط‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی‌اند، اما اعضای خانواده و دوستان منابع اصلی این حمایت به شمار می‌روند (کالینز^۲، ۲۰۰۳ نقل از اناری، طهماسبیان و فتح‌آبادی، ۱۳۹۰).

به عبارتی دیگر، نوجوانان با افراد مهم و کلیدی انگشت‌شماری در زندگی خود ارتباط دارند و کیفیت رابطه‌شان با هر کدام کم و بیش متفاوت است، اما دوستان آنها تأثیرگذارترین این افراد، به حساب می‌آیند (دیور، ۲۰۰۲). پژوهشگران در مطالعات مربوط به روابط دوستی دوره نوجوانی، به جنبه‌های مختلفی از کیفیت روابط دوستانه دست یافته‌اند. این کیفیت‌ها شامل هم‌نشینی، راهنمایی و کمک مؤثر، خودافشاگری صمیمانه، حمایت‌ورزی، عاطفه و پیوند قابل اعتماد است (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵). آنچه از پژوهش‌ها برمی‌آید چنین است که نوجوانان ابعاد مختلفی از کیفیت رابطه را در روابط دوستانه خود تجربه می‌کنند. بنابراین دور از انتظار نخواهد بود که نوجوان برای کسب حمایت و کیفیت رابطه‌ای خاص که دوستان دیگرش (یا سایر افراد شبکه روابط وی) آن را فراهم نمی‌کنند، وارد یک رابطه دوستی شود. بدین ترتیب به نظر می‌رسد که این نوجوان است که اکنون با نیازهای بیشتر ارتباطی پا به دنیای بزرگ‌تری گذاشته و در آن انتخاب می‌کند چه حمایتی را از چه فردی دریافت کند.

در روان‌شناسی نوجوانی، تحول یک مفهوم محوری است (کاترال، ۲۰۰۷). اکثر پژوهشگران، نوجوانی را به سه دوره تحولی تقسیم کرده‌اند که شامل اوایل نوجوانی (۱۰ تا ۱۳ سالگی)، اواسط نوجوانی (۱۴ تا ۱۷ سالگی)، و اواخر نوجوانی (۱۸ تا اوایل ۲۰ سالگی) است (سمتانا، کمپیون‌بار و متزگر، ۲۰۰۶). شکل‌گیری

روابط نزدیک، یکی از وظایف تحولی-اجتماعی نوجوانان است. هم نظریه سالیوان و هم اقتباس‌های اخیر نظریه تبادل اجتماعی، اذعان داشته‌اند که اهمیت روابط مختلف با تغییر سن و نمو یافتگی فرد تغییر می‌یابد (کاتلر و گرکا، ۲۰۰۴). در واقع روابط بین افراد به ندرت ایستا و ثابت است چرا که افراد تغییر می‌کنند. این تغییرات نیز روابط آنها را با دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد (نوابی‌نژاد، ۱۳۸۱).

بنابراین بررسی تغییرات تحولی در ویژگی‌های روابط نوجوانان موضوع قابل توجهی است. برای مثال، همچنان که فرد بزرگ‌تر می‌شود میزان صمیمیت وی با دوستانش به طور چشمگیری افزایش می‌یابد و این در حالی است که میزان صمیمیت وی با والدین ثابت باقی می‌ماند و یا اندکی کاهش می‌یابد (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵؛ کمپارو، ۱۹۹۵). در همین راستا پژوهش‌ها نشان داده‌اند گروه‌های سنی مختلف، روابط را به گونه‌های متفاوتی ادراک می‌کنند (مونتگومری و سورل، ۱۹۹۷). برخی از پژوهشگران نیز دریافته‌اند که ادراک حمایت در روابط دوستانه در خلال دوره نوجوانی افزایش می‌یابد (شارابانی^۳، گرشونی^۴ و هافمن^۵، ۱۹۸۱ نقل از وای و گرینی، ۲۰۰۶).

نتایج یک بررسی طولی در نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ ساله در مورد این تغییرات و تفاوت‌های جنسی در فرایند تحولی ارتباط نشان داده است که هر چه دوستی‌ها پیش می‌روند مثبت‌تر و حمایتی‌تر می‌شوند. این تحول در هر دو جنس مشهود است (دی‌گوئد، برانچ و میوس، ۲۰۰۹). افزون بر آن، مطالعات با اتخاذ روی‌آوردی تحولی نشان داده‌اند که در اواسط تا اواخر نوجوانی، دوستی با دوستان غیرهم‌جنس امری شایع است و احتمال درگیری احساسی با افزایش سن بیشتر می‌شود. این یافته هماهنگ با ادبیات تحولی است که تغییر در توجه از همسالان هم‌جنس به غیرهم‌جنس را از اوایل تا اواخر نوجوانی نشان می‌دهد (فورمن^۶، ۱۹۸۹ نقل از کاتلر و گریکا، ۲۰۰۴). در پژوهش کاتلر و گریکا (۲۰۰۴) نیز مشخص شد که دختران نوجوان کم‌سن‌تر در تمام ابعاد کیفیت رابطه تکیه شدیدتری بر بهترین دوست هم‌جنس خود نسبت به دوست پسر خود داشتند، در حالی که دختران نوجوان بزرگ‌تر به طور فزاینده‌ای خواهان دریافت حمایت بیشتر از دوستان پسر خود بودند. این الگو کاملاً منطبق با نظریه مبادله اجتماعی است. برحسب این نظریه، تغییر توجه از بهترین دوست به شریک احساسی، پیش‌رونده و

1. Erikson, E. H.
2. Collins, S. M.

3. Sharabany, R.
4. Gershoni, R.

5. Hofman, J.
6. Furman, W.

تدریجی است (کاتلر و گریکا، ۲۰۰۴).

با دیدی تحولی به روابط دوستی نزدیک همجنس دوران نوجوانی آشکار می‌شود که هنگامی که نوجوانان در اواسط جهش رشد خود هستند، ذهن‌شان به خود مشغول می‌شود و نمی‌دانند تغییراتی که در آنها به وجود آمده، بهنجار است یا نابهنجار. در این مرحله از رشد، ممکن است تعداد دوستان نوجوانان زیاد یا کم باشد (در اغلب موارد تعداد آنها زیاد است)، اما احتمالاً خواهان یک دوست صمیمی (تقریباً همیشه همجنس خود) هستند تا یکدیگر را در آرزوها، نگرانی‌ها و مشکلات شریک بدانند. آنها اغلب خصوصیات جسمانی خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند تا خود را متقاعد سازند که رشد آنها بهنجار است (کاتلر، ۲۰۰۴). حتی گاهی پس از گذراندن تمام روز با یکدیگر، وقتی به خانه بازمی‌گردند ساعت‌ها تلفنی با یکدیگر صحبت می‌کنند (رایس^۱، ۱۳۸۸/۲۰۰۱). این تابلوی کلی از شروع افزایش صمیمیت‌ها در روابط دوستی دوره نوجوانی، نشان می‌دهد که نوجوان در حال آزمون نوع جدیدی از رابطه در جهت شناخت بیشتر خود، کسب هویت^۲ و استقلال است. در واقع دوستان نزدیک همجنس به نوجوان کمک می‌کنند تا مرحله ششم تحول روانی-اجتماعی اریکسون (محمودی، ۱۳۸۶) (مردم‌آمیزی در برابر مردم‌گریزی) را سپری کنند و به هویتی مستقل دست یابند.

از سوی دیگر افراد غیرهمجنس منبع متداولی از احساس‌ها و هیجان‌های قدرتمند هستند. شدت هیجان‌هایی که این افراد فراهم می‌کنند معمولاً از همسالان همجنس، والدین و یا وقایع مدرسه بیشتر است. این هیجان‌ها می‌توانند مثبت یا منفی باشند. به عبارتی دیگر ارتباط با غیرهمجنس به همان اندازه که احساس‌ها و هیجان‌های مثبت را با خود همراه دارد، منبع هیجان‌های منفی مانند تنیدگی شدید نیز است (بوچی و فورمن، ۲۰۰۳).

امروزه در بین برخی از نوجوانان، داشتن یک دوست محبوب و جذاب غیرهمجنس، راهی برای کسب شأن و احترام اجتماعی از سوی دیگر همسالان است (بوچی و فورمن، ۲۰۰۳). رایس (۱۹۹۹) نقل از گلزاری، (۱۳۸۳) اهداف نوجوانان برای برقراری رابطه با جنس مخالف را این چنین فهرست می‌کند: (۱) تفریح و سرگرمی، (۲) همراهی و معاشرت بدون مسئولیت ازدواج، (۳) افزایش منزلت اجتماعی، (۴) جامعه پذیری، (۵) تجربه جنسی، (۶) تعیین و انتخاب

همسر و (۷) تجربه احساس صمیمیت با جنس مخالف.

بدین ترتیب یکی از چشمگیرترین تغییرات تحولی دوران نوجوانی، گسترش فعالیت با افراد جنس مخالف است. در دوره پیش‌نوجوانی، دختران و پسران اغلب با همسالان همجنس خود به فعالیت می‌پردازند. اما در نوجوانی، تمایل به برقراری رابطه با همسالان غیرهمجنس افزایش می‌یابد. در یک بررسی ملی در ایالات متحده، ۳۶ درصد از نوجوانان ۱۳ ساله و ۷۳ درصد از ۱۸ ساله‌ها گزارش دادند که یک درگیری احساسی در ۱۸ ماه گذشته داشته‌اند (کارور^۳، جوینر^۴ و آدری^۵، ۱۹۹۹). نقل از بوچی و فورمن، (۲۰۰۳). با این وجود نکته قابل توجه در باب روابط عاطفی و احساسی نوجوانان این است که روابط آنها عموماً بیش از یک سال دوام نمی‌یابد و بسیاری از آنها تنها پس از چند ماه پایان می‌یابند (کاتلر و گریکا، ۲۰۰۴). در واقع اگر بپذیریم که در سنین نوجوانی دشواری‌های بین‌فردی در ابعاد مختلف، در بیشترین حد خود هستند که به مرور و با افزایش سن کاهش می‌یابند (تقی‌لو، شکر، طولابی و تقوایی‌نیا، ۱۳۹۰) می‌توان متزلزل بودن روابط این دوره را نیز توجیه کرد. کاتلر و گریکا (۲۰۰۴) در بررسی خود برای نخستین بار ارتباط بین روابط احساسی (رابطه با دوست غیرهمجنس) و روابط با دوستان همجنس (بهترین دوست) را در دختران از اواسط تا اواخر نوجوانی بررسی کردند. بر مبنای این بررسی تعامل‌های منفی در روابط احساسی نوجوانان بیش از روابط دوستانه آنها مشاهده شد (کاتلر و گریکا، ۲۰۰۴). در یک پژوهش دیگر، لمپرز و کلارک-لمپرز (۱۹۹۳) اهمیت دوستی‌های همجنس و غیرهمجنس را در نوجوانان مورد سنجش قرار دادند. نتایج نشان دادند که پسران و دختران به ویژه در اواسط نوجوانی، کیفیت ارتباط با دوستان همجنس را بالاتر ارزیابی کرده‌اند. در این ارتباط حمایت‌های اجتماعی کلیدی، شامل پیوند قابل اعتماد، هم‌نشینی و صمیمیت بود. تعارض نیز در اواسط نوجوانی افزایش چشمگیری داشت. اهمیت بیشتر دوستی با افراد همجنس در نوجوانان نشان می‌دهد که آنان تأیید و اطمینان بیشتری را در خلال دوستی با افراد همجنس خود تجربه می‌کنند و این تبادل‌های دوستانه، واجد سطوح بالاتری از صمیمیت نسبت به دوستی با شریک‌های عاطفی غیرهمجنس است، زیرا دوستان مدت زمان طولانی‌تری را با یکدیگر سپری می‌کنند و در محیط‌هایی (مدرسه، همسایگی) با

1. Rice, F.
2. making identity

3. Carver, K.
4. Joyner, K.

5. Udry, J. R.

غیرهم‌جنس انواع متفاوتی از حمایت را در پی دارند، هدف پژوهش حاضر تعیین میزان حمایت دریافتی نوجوانان از دوستان هم‌جنس و غیرهم‌جنس، سیر تحولی کیفیت روابط نوجوانان با دوستان و چگونگی تأثیر انتخاب دوست غیرهم‌جنس بر ارتباط با والدین است.

روش

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان نوجوان دختر و پسر ۱۳، ۱۵، و ۱۷ سال بود که در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ مشغول به تحصیل بودند. به سبب خاص بودن سنجش (رابطه با دوست غیرهم‌جنس) با روش نمونه‌برداری در دسترس، ۳۰ دختر و پسر در سه گروه سنی مورد نظر از مناطق ۱، ۴ و ۱۸ شهر تهران انتخاب شدند و به سیاهه شبکه روابط^۳ پاسخ دادند. در جدول ۱ فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب سن و جنس درج شده است.

سیاهه شبکه روابط (NRI؛ فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵). این سیاهه که بر اساس نظریه ویس^۴ (۱۹۷۴) نقل از فورمن و بارمستر، (۱۹۸۵) ساخته شده، شبکه غنی روابط صمیمی دوره نوجوانی را دربرمی‌گیرد و به مقایسه ابعاد مختلف کیفیت روابط نوجوان در شبکه ارتباطی می‌پردازد. در واقع این سیاهه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین روابط مهم نوجوان در شبکه ارتباطی وی را مورد سنجش قرار می‌دهد. سیاهه شبکه روابط با ۳۰ ماده و ۱۰ مقیاس، ۱۰ نوع کیفیت رابطه را می‌سنجد (هفت ویژگی مثبت^۵ حمایتی، دو ویژگی منفی ارتباط^۶، و یک ویژگی قدرت نسبی). این مقیاس‌ها عبارتند از: (۱) هم‌نشینی^۷، (۲) تعارض^۸، (۳) راهنمایی و

جدول ۱

فراوانی و درصد آزمودنی‌ها بر اساس متغیر سن و جنس

جنس	سن	فراوانی	درصد
دختر	۱۳	۳۰	۱۶/۴۸
	۱۵	۳۰	۱۶/۴۸
	۱۷	۳۱	۱۷/۰۳
پسر	۱۳	۳۰	۱۶/۴۸
	۱۵	۳۱	۱۷/۰۳
	۱۷	۳۰	۱۶/۴۸

یکدیگر ارتباط دارند که در مقایسه با محیط ملاقات با دوستان غیرهم‌جنس از ثبات بیشتری برخوردار است (کاترال، ۲۰۰۴).

اعتقاد بر این است که درگیری‌های عاطفی و احساسی بر رشد صمیمیت و هویت، دو فرایند روانی سرنوشت‌ساز و حیاتی دوران نوجوانی، همچنین استقلال عمل نوجوانان تأثیر می‌گذارند. برخی از نظریه‌پردازان نیز اظهار داشته‌اند که تجارب نوجوانان از روابط احساسی با جنس مخالف می‌توانند بر ماهیت روابط نزدیک چون ازدواج تأثیر داشته باشند. اما با وجود تأثیرات مثبتی که برای رابطه با جنس مخالف متصور است، این روابط هرگز و در هیچ فرهنگی خالی از آسیب نیست. یکی از عمده‌ترین آسیب‌های رابطه احساسی با جنس مخالف، درگیری خواسته یا ناخواسته نوجوان در روابط جنسی است. در غرب بیش از ۲۵ درصد از نوجوانان، قربانیان خشونت و پرخاشگری روابط جنسی هستند (وولف^۱ و فیرینگ^۲، ۲۰۰۰ نقل از بوچی و فورمن، ۲۰۰۳). در ایران هیچ آمار دقیقی در این باره موجود نیست اما گزارش‌ها حکایت از روند رو به گسترش این آسیب‌ها دارند. از منظر سلامت روانی نیز شکست‌های عاطفی نوجوانان، یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های افسردگی، قتل‌های ناگهانی، و تلاش‌های فرجام و نافرجام برای خودکشی است. بنابراین در دوره نوجوانی ارتباط با افراد غیرهم‌جنس پرمخاطره است و گاه می‌تواند تأثیرات غیرقابل جبرانی را به جای گذارد (بوچی و فورمن، ۲۰۰۳).

به‌رغم انجام پژوهش‌های متعدد و با وجود اهمیت این روابط در دوره نوجوانی، چه با دوستان هم‌جنس و چه غیرهم‌جنس، دانش ما درباره روابط نوجوانان نسبتاً ناچیز است. در واقع اغلب پژوهش‌ها بیشتر بر دوستی‌های دوران کودکی تمرکز یافته‌اند تا دوستی‌های دوران نوجوانی. در حالی که اساس روابط اجتماعی در دوران نوجوانی با دوران کودکی متفاوت است و این روابط بیشتر به ارتباط‌های دوره بزرگسالی شباهت دارد (دیور، ۲۰۰۲). در حال حاضر هنوز این پرسش‌ها بی‌پاسخ مانده‌اند که آیا نوجوانان برای کسب حمایت‌های مختلف گرایش به جنس خاصی دارند؟ آیا سن نوجوانان عامل تعیین‌کننده‌ای در کیفیت رابطه آنان با دوستان‌شان به حساب می‌آید؟ با پذیرش این فرض که دوستان هم‌جنس و

1. Wolfe, D. A.
2. Feiring, C.
3. Network of Relationships Inventory (NRI)
4. Weiss, R. S.

5. positive qualities
6. negative characteristics of relationship
7. companionship
8. conflict

مربوط به کیفیت حمایتی رابطه انتخاب شدند. از نوجوانان خواسته شد تا هر مادہ را در مورد پدر، مادر، دوست همجنس و دوست غیرهمجنس خود پاسخ دهند. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک‌راهه و تحلیل واریانس چندمتغیری بررسی شدند.

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی آزمودنی‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. در جدول ۲، فراوانی نوجوانان دارای دوست همجنس و غیرهمجنس به تفکیک جنس ارائه شده است. بر مبنای نتایج ارائه‌شده، در حدود نیمی از آزمودنی‌های گروه نمونه دوستان غیرهمجنس داشتند.

به نظر می‌رسد با افزایش سن به ویژه در دختران، میزان برقراری رابطه با دوست غیرهمجنس افزایش می‌یابد. در آزمودنی‌های پسر، این افزایش تا سن ۱۵ سالگی افزایش و در ۱۷ سالگی اندکی کاهش می‌یابد.

جدول ۲

فراوانی و درصد آزمودنی‌ها بر اساس دارا بودن دوستان همجنس و غیرهمجنس

گروه	سن	دختر		پسر	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
دارای دوست همجنس	۱۳	۳۰	۱۰۰	۳۰	۱۰۰
	۱۵	۲۹	۹۶/۶۶	۳۰	۹۶/۷۷
	۱۷	۳۱	۱۰۰	۳۰	۱۰۰
کل		۹۰	۹۸/۹۰	۹۰	۹۸/۹۰
دارای دوست غیرهمجنس	۱۳	۱۱	۳۶/۶۶	۹	۳۰
	۱۵	۱۹	۶۳/۳۳	۲۱	۶۷/۷۴
	۱۷	۲۲	۷۰/۹۶	۱۴	۴۶/۶۶
کل		۵۱	۵۶/۰۴	۴۴	۴۸/۳۵

سن و جنس بر کیفیت رابطه با دوست همجنس معنادار نیستند. همچنین نتایج حاکی از آن است که کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان همجنس خود متفاوت است ($P < ۰/۰۰۱$). اثر تعاملی کیفیت رابطه با دوست همجنس، سن و جنس نیز معنادار است. شکل‌های ۱ و ۲ کیفیت رابطه نوجوانان به تفکیک جنس را نمایش می‌دهند.

کمک مؤثر/راهگشا^۱، ۴) خودافشاگری صمیمانه^۲، ۵) حمایت‌ورزی^۳، ۶) عاطفه^۴ و ۷) تأیید ارزشمند بودن^۵، ۸) قدرت نسبی، ۹) پیوند قابل اعتماد^۶ و ۱۰) تضادورزی^۷ سیاهه شبکه روابط توسط فورمن و بارمستر (۱۹۸۵) در مورد ۱۰۳ پسر و ۹۶ دختر ۱۱ تا ۱۳ ساله اجرا شد. تحلیل‌های آماری همسانی درونی^۸ قابل قبول مقیاس‌ها را تأیید کردند. میانگین ضرایب آلفای کرونباخ این سیاهه ۰/۸۰ محاسبه شد (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵). این سیاهه تاکنون در ایران اجرا نشده و محقق نسخه اصلی آن را مستقیماً از مؤلفان اثر دریافت کرده است. روایی صوری این سیاهه در پژوهش حاضر از طریق نظرسنجی از اساتید مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب همسانی درونی برای ماددهای مربوط به دوستان همجنس ۰/۸۹ و برای ماددهای مربوط به دوستان غیرهمجنس ۰/۹۲ به دست آمد. از آنجا که هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های تعاملی مثبت بود، ۹ مادده سیاهه (نش و ویژگی مقیاس تعارض و تضادورزی و سه ویژگی قدرت نسبی) حذف و ۲۱ مادده

به منظور بررسی تفاوت کیفیت روابط نوجوانان با دوستان همجنس، از تحلیل واریانس استفاده شد. آزمون کرویت موچلی^۹ نشان داد که فرض صفر در مورد کرویت رد می‌شود ($P < ۰/۰۰۱$ ، $F = ۸۵/۶۷$). نتایج آزمون گرینه‌هاوس گیسر^{۱۰} در جدول ۳ گزارش شده است. جدول ۳ نشان می‌دهد که اثر اصلی سن، جنس و اثر تعاملی

1. instrumental aid
2. intimate disclosure
3. nurturance
4. affection

5. reassurance of worth
6. reliable alliance
7. antagonism
8. internal consistency

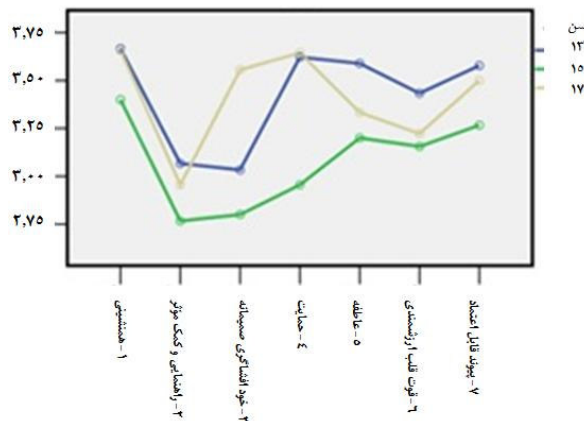
9. Mauchly's test of sphericity
10. Greenhouse-Geisser

جدول ۳

خلاصه نتایج تحلیل واریانس اثر اصلی و تعاملی بین کیفیت رابطه با دوست همجنس، سن و جنس

متغیر	SS	df	MS	F	P
سن	۱/۰۵	۲	۰/۵۲	۰/۱۱	۰/۸۹
جنس	۷/۴۶	۱	۷/۴۶	۱/۵۵	۰/۲۱
سن × جنس	۲۴/۲۲	۲	۱۲/۱۱	۲/۵۲	۰/۰۸
خطا	۸۳۶/۱۰	۱۷۴	۴/۸۰		
کیفیت رابطه با دوست همجنس	۳۷/۷۱	۵/۱۳	۷/۳۳	۱۷/۵۸	۰/۰۰۱
کیفیت رابطه با دوست همجنس × سن	۱۳/۱۹	۱۰/۲۷	۱/۲۸	۳/۰۷	۰/۰۱
کیفیت رابطه با دوست همجنس × جنس	۱۲/۱۱	۵/۱۳	۲/۳۵	۵۲/۶۵	۰/۰۰۱
خطا	۳۷۳/۰۷	۸۹۴/۰۲	۰/۴۱		

با دوست همجنس برای پسران ۱۳ ساله هم‌نشینی و سپس حمایت است. برای پسران ۱۵ ساله، هم‌نشینی و برای پسران ۱۷ ساله، هم‌نشینی و پس از آن حمایت، مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست همجنس است. پسران ۱۳ ساله خودافشاگری صمیمانه و سپس راهنمایی و کمک مؤثر، پسران ۱۵ ساله راهنمایی و کمک مؤثر و سپس خودافشاگری صمیمانه و پسران ۱۷ ساله راهنمایی و کمک مؤثر را به عنوان ضعیف‌ترین ابعاد کیفیت رابطه گزارش کردند.

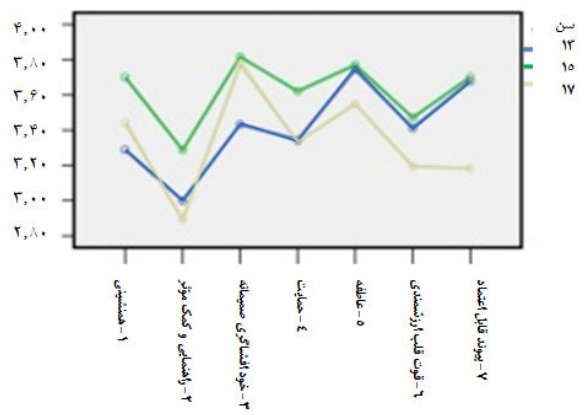


شکل ۲. کیفیت رابطه نوجوانان پسر با دوست همجنس

همچنین این نتایج نشان دادند که کیفیت رابطه نوجوان با دوستان غیرهمجنس متفاوت است. افزون بر آن کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس فقط با سن تعامل معنادار نشان داد (جدول ۴).

همانطور که در شکل ۳ نشان داده شده است، مهم‌ترین بعد کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس برای دختران ۱۳ و ۱۷ ساله، عاطفه و برای دختران ۱۵ ساله عاطفه و هم‌نشینی است. ضعیف‌ترین بعد کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس از

بر مبنای شکل ۱، مهم‌ترین بُعد کیفیت رابطه با دوست همجنس برای دختران ۱۳ ساله عاطفه است. دختران ۱۵ ساله خودافشاگری صمیمانه و پس از آن عاطفه، هم‌نشینی و پیوند قابل اعتماد را مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه می‌دانند. دختران ۱۷ ساله نیز مهم‌ترین بعد کیفیت رابطه با دوست همجنس را خودافشاگری صمیمانه مطرح کردند. هر سه گروه سنی ضعیف‌ترین بعد کیفیت رابطه با دوست همجنس را راهنمایی و کمک مؤثر دانستند. شکل ۲ نیز نشان می‌دهد که مهم‌ترین بعد کیفیت رابطه

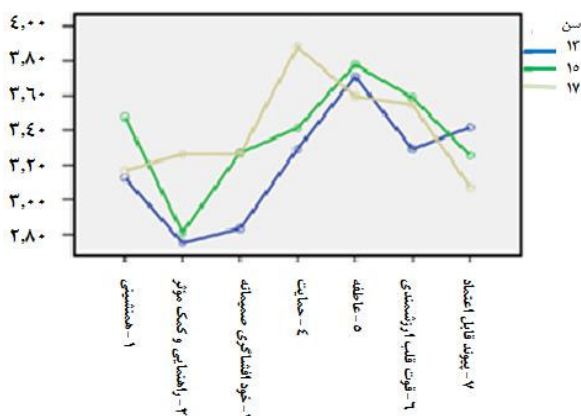


شکل ۱. کیفیت رابطه نوجوانان دختر با دوست همجنس

برای بررسی ابعاد مختلف کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان غیرهمجنس، از روش آماری تحلیل واریانس استفاده شد. آزمون کرویت موچلی نشان داد که فرض صفر در مورد کرویت رد می‌شود ($\chi^2 = 62/91$, $P < 0/001$). در جدول ۴ نتایج آزمون گرینهاوس گیسر گزارش شده است.

تحلیل داده‌ها نشان داد که اثرات اصلی سن، جنس و اثر تعاملی سن و جنس بر کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس معنادار نیستند.

۱۷ سالہ حمایت است. ضعیف ترین بعد کیفیت رابطہ با دوست غیر ہم جنس از نظر پسران ۱۳ سالہ راهنمایی و کمک مؤثر و سپس خود افشاگری، از نظر پسران ۱۵ سالہ راهنمایی و کمک مؤثر، و از نظر پسران ۱۷ سالہ پیوند قابل اعتماد است.

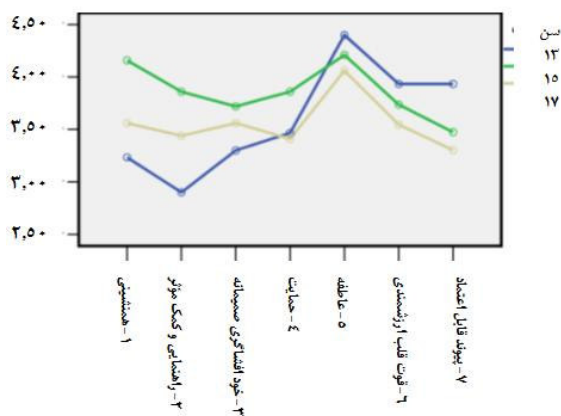


شکل ۴. کیفیت رابطہ نوجوانان پسر با دوست غیر هم جنس

هم نشینی بودند. در زیر، شکل های توصیفی مهم ترین ابعاد کیفیت رابطہ نوجوانان دختر با دوستان هم جنس و غیر هم جنس آمده است (شکل های ۵، ۶ و ۷).

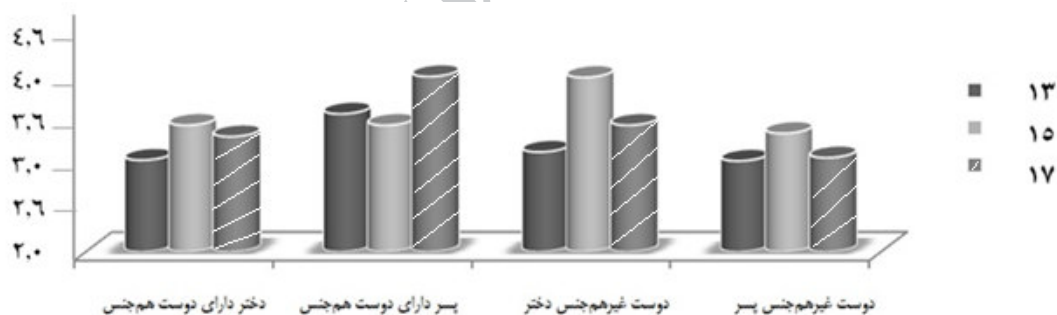
سوی دختران ۱۳ سالہ راهنمایی و کمک مؤثر، و از جانب دختران ۱۵ و ۱۷ سالہ پیوند قابل اعتماد گزارش شده است.

بر مبنای شکل ۴ نیز مهم ترین بعد کیفیت رابطہ با دوست غیر هم جنس برای پسران ۱۳ و ۱۵ سالہ عاطفہ و برای پسران

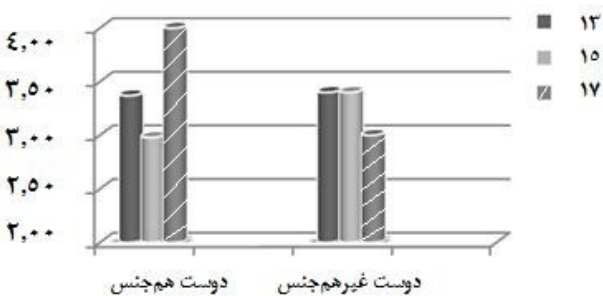


شکل ۳. کیفیت رابطہ نوجوانان دختر با دوست غیر هم جنس

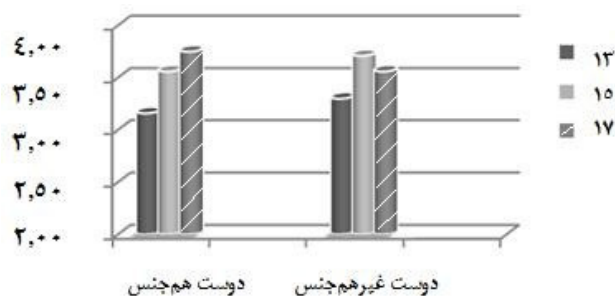
همانطور کہ پیش تر گفته شد، مهم ترین ابعاد کیفیت رابطہ دختران با دوستان هم جنس، عاطفہ و خود افشاگری صمیمانہ و مهم ترین ابعاد کیفیت رابطہ با دوست غیر هم جنس، عاطفہ و



شکل ۵. کیفیت هم نشینی در رابطہ با دوستان هم جنس و غیر هم جنس



شکل ۷. کیفیت حمایت ورزی پسران در رابطہ با دوستان هم جنس و غیر هم جنس



شکل ۶. کیفیت خود افشاگری دختران در رابطہ با دوستان هم جنس و غیر هم جنس

جدول ۴

خلاصه نتایج تحلیل واریانس اثر اصلی و تعاملی بین کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس، سن و جنس

متغیرها	SS	df	MS	F	P
سن	۴/۷۹	۲	۲/۳۹	۰/۳۸	۰/۶۸
جنس	۱۷/۰۹	۱	۱۷/۰۹	۲/۷۱	۰/۱۰
سن × جنس	۳/۶۷	۲	۱/۸۳	۰/۲۹	۰/۷۴
خطا	۵۵۴/۵۲	۸۸	۶/۳۰		
کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس	۳۰/۵۳	۴/۷۱	۶/۴۷	۱۱/۳۵	۰/۰۰۱
کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس × سن	۱۲/۵۵	۹/۴۳	۱/۳۳	۲/۳۳	۰/۰۱
خطا	۲۳۶/۵۷	۴۱۵/۱۵	۰/۵۷		

رابطه نوجوانان دارا و فاقد دوست غیرهمجنس با والدین خود، تفاوت وجود دارد. معنادار بودن این تفاوت با استفاده از روش تحلیل واریانس چند متغیری صورت گرفت (جدول ۶).
توصیف کیفیت رابطه با مادر و پدر، بین نوجوانان دارای دوست غیرهمجنس و همتایان فاقد دوست غیرهمجنس در جدول ۶ آمده است.

همچنین هم‌نشینی و حمایت‌ورزی مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه پسران با دوستان همجنس و عاطفه و حمایت‌ورزی مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس بودند. در شکل‌های ۵، ۶ و ۷ مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه نوجوانان پسر با دوستان همجنس و غیرهمجنس نشان داده شده است.
همان‌طور که در جدول ۵ نشان داده شده است بین میانگین

جدول ۵

توصیف رابطه نوجوانان دارا و فاقد دوست غیرهمجنس با مادر و پدر

متغیرها	گروه	n	SD	M
رابطه با مادر	دارای دوست غیرهمجنس	۸۲	۰/۶۸	۳/۹۴
	فاقد دوست غیرهمجنس	۸۰	۰/۶۸	۴/۱۰
رابطه با پدر	دارای دوست غیرهمجنس	۸۲	۰/۷۳	۳/۴۳
	فاقد دوست غیرهمجنس	۸۰	۰/۷۰	۳/۷۲

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، تفاوت کیفیت رابطه نوجوانان دو گروه با مادر معنادار نبود. اما نوجوانان دارا و فاقد دوست غیرهمجنس، در کیفیت رابطه با پدر تفاوت معنادار نشان دادند. به عبارتی دیگر نوجوانانی که فاقد دوست غیرهمجنس بودند، رابطه با پدر را با کیفیت‌تر گزارش داده بودند.

نتایج آزمون لون^۱ به منظور بررسی خطای واریانس نشان دادند که خطای واریانس‌ها تفاوت معنادار ندارند. همچنین در آزمون ام باکس^۲، ام باکس ۱/۹۶ با سطح معناداری ۰/۵۸ گزارش شد. F آن ۰/۶۴ و درجات آزادی اول و دوم به ترتیب ۳ و ۴۷۰۰۰۶۶/۹۵ بودند که نشان می‌دهند ماتریس کوواریانس‌ها تفاوت معنادار ندارند. بنابراین شرط برابری واریانس‌ها و کوواریانس‌ها برقرار است.

جدول ۶

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری کیفیت رابطه بر اساس دارا یا فاقد بودن غیرهمجنس

منبع	متغیرها	SS	df	MS	F	P
گروه	کیفیت رابطه با مادر	۱/۰۵	۱	۱/۰۵	۲/۲۶	۰/۱۳
	کیفیت رابطه با پدر	۳/۴۹	۱	۳/۴۹	۶/۷۵	۰/۰۱
خطا	کیفیت رابطه با مادر	۷۴/۴۴	۱۶۰	۰/۴۶		
	کیفیت رابطه با پدر	۸۲/۷۱	۱۶۰	۰/۵۱		
جمع	کیفیت رابطه با مادر	۲۷۰۳/۸۱	۱۶۲			
	کیفیت رابطه با پدر	۲۱۶۳/۰۸	۱۶۲			

1. Levene test

2. Box's M test

بحث

پیش رود. بنابراین دوستانی که هم در دسترس هستند و هم ساعات زیادی از روز را با یکدیگر سپری می‌سازند، به طور طبیعی، در جریان امور یکدیگر قرار می‌گیرند و انتخاب مناسبی برای یک نوجوان جهت خودافشاگری‌اند. گزارش عاطفه به عنوان کیفیت مهم رابطه با دوست همجنس نیز، با نتایج پژوهش فورمن و شومیکر (۲۰۰۸) هماهنگ است. در توجیه این امر می‌توان گفت، به دلیل آنکه دختران گرایش بیشتری به رابطه دارند و در روابط خود بیش از پسران مشتاق و متکی بر عاطفه‌اند (وای و گرینی، ۲۰۰۶)، عاطفه را یکی از مهم‌ترین عوامل یک رابطه دوستانه می‌دانند. بنابراین تأکید بیشتر دختران بر عاطفه تعجب‌آور نیست، چرا که دختران در رابطه با بهترین دوست خود بر عاطفه و صمیمیت و پسران بر فعالیت‌های مشترک تأکید می‌ورزند (فیرینگ، ۱۹۹۶؛ جیوردانو، ۲۰۰۳؛ شالمن و اسکارف، ۲۰۰۰). افزون بر آن، فورمن و شومیکر (۲۰۰۸) بیان می‌دارند که نوجوانان عاطفه بالاتری را در رابطه با دوست همجنس در مقایسه با دوست غیرهمجنس تجربه می‌کنند، چرا که آنها مدت زمان طولانی‌تری را با هم هستند و بنابراین فرصت‌های بیشتری را برای ایجاد عاطفه و نشان دادن توجه و حساسیت نسبت به یکدیگر دارند. با این حال، نتایج این پژوهش نشان دادند که دختران و پسران عاطفه بالاتری را در رابطه با دوست غیرهمجنس گزارش داده‌اند.

نوجوانی دوره‌ای است که نوجوان به تدریج از خانواده خود فاصله گرفته و به سمت دوستان خود گرایش می‌یابد (دیور، ۲۰۰۲). نوجوان ورود به جهان اجتماعی را از طریق هم‌نشینی با همسالان خود آغاز می‌کند. بنابراین ذکر دوست به عنوان منبع مهم هم‌نشینی، قابل پیش‌بینی است و با یافته‌های پیشین (فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵، ۱۹۹۲، ۲۰۰۹) نیز مطابقت دارد. بارمستر (۱۹۹۰) نقل از دی‌جاگر، (۲۰۱۱) معتقد است نوجوانانی که میزان هم‌نشینی بالاتری را با دوستان خود گزارش می‌دهند، از میزان سلامت روانی بالاتری نیز برخوردارند. تمایل به حمایت‌ورزی پسران نوجوان از دوستان را نیز می‌توان این گونه توجیه کرد که نوجوانان اغلب از افرادی حمایت می‌کنند که عاطفه بیشتری نسبت به آنها دارند. بنابراین پسران نوجوان به مرور و با افزایش سن و توانمندی‌های فردی، تمایل به محافظت

این پژوهش با هدف تعیین میزان حمایت دریافتی دوستان همجنس و غیرهمجنس توسط نوجوانان، تعیین سیر تحولی کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان همجنس و غیرهمجنس و تأثیر انتخاب دوست غیرهمجنس بر ارتباط با والدین صورت گرفت. نتایج حاصل از تحلیل‌های آماری، این فرض را مبنی بر اینکه دوستان همجنس و غیرهمجنس انواع متفاوتی از حمایت را در سنین مختلف از نوجوانان به عمل می‌آورند، تأیید کرد.

در این مطالعه نوجوانان دختر، عاطفه و خودافشاگری صمیمانه را به عنوان بهترین ابعاد کیفیت رابطه با دوستان همجنس خود قلمداد کردند (با سهم بیشتر عاطفه برای ۱۳ ساله‌ها و خودافشاگری برای ۱۷ ساله‌ها)، و نوجوانان پسر مطلوب‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوستان همجنس خود را هم‌نشینی و حمایت‌ورزی گزارش دادند. یافته‌های به‌دست‌آمده با یافته‌های حاصل از پژوهش فورمن و بارمستر (۱۹۸۵) و آتارشاتر، تن و بوچانان (۲۰۰۹) و نیز نظریه سالیوان^۱ (۱۹۵۳) نقل از فورمن و بارمستر، (۱۹۸۵) مبتنی بر آن که دوستان نوجوان در این سن یک منبع قوی برای برخی حمایت‌ها می‌شوند و بنابراین در هم‌نشینی و صمیمیت بالاترین نمره را کسب می‌کنند، همخوانی دارد. رایج‌ترین استدلال برای ترجیح خودافشاگری نوجوانان دختر با دوستان همجنس خود این است که اولاً دختران بیش از پسران تمایل به صحبت کردن، برون‌ریزی و صمیمیت (پارکر^۲ و آشر^۳، ۱۹۹۳) نقل از روبین و فردستورم، (۲۰۰۸) دارند و ثانیاً دوست همجنس نه‌تنها شنونده خوبی برای نوجوان است بلکه خود او نیز با بیان مشکلات مشابه، نوعی همدلی با نوجوان به عمل می‌آورد که او را در پذیرش و شناخت مشکل توانمندتر می‌سازد. نوجوان از طریق صحبت کردن با دوست خود درمی‌یابد که دیگران نیز مانند وی امیدها، ترس‌ها و تردیدهایی دارند (محمودی، ۱۳۸۶). نوجوان با حرف زدن و خودافشایی در برابر دوست همجنس، نه‌تنها آرام و سبک شده، بلکه در یافتن هویت خود نیز مستحکم‌تر می‌شود و هنگام بیان خویش، خود را نیز بهتر می‌شناسد. او برای گذراندن فراز و نشیب‌های روانی و بحران‌های هویتی، بیش از هر فرد دیگر، دوست خود را می‌طلبد تا با او قدم‌های آمده‌اش را مقیاس کند و با اطمینان بیشتری

1. Sullivan, H. S.

2. Parker, J. G.

3. Asher, S. R.

از کسانی را که دوست دارند در خود پرورش می‌دهند و آن را به عنوان معیار مهم صمیمیت می‌شناسند. این توجه با یافته هاتر^۱ و یونیس^۲ (۱۹۸۲ نقل از فورمن و بارمستر، ۱۹۸۵) نیز هماهنگ است. بر مبنای یافته‌های این پژوهشگران میزان حمایت‌ورزی در دوره نوجوانی نسبت به سنین پایین‌تر به صورت چشمگیری افزایش می‌یابد و نوجوانان حمایت ورزیدن را به عنوان یکی از اهداف مهم رابطه قلمداد می‌کنند (جاروین^۳ و نیکولز^۴، ۱۹۹۶ نقل از دی‌جاگر، ۲۰۱۱).

نکته قابل توجه اینکه چه دختران و چه پسران، ضعیف‌ترین بعد کیفیت رابطه با دوستان همجنس را راهنمایی و کمک مؤثر می‌دانستند. دلیل حصول این یافته شاید این باشد که دوست همجنس در سایر ابعاد کیفیت رابطه قابلیت‌های بالاتری را نسبت به راهنمایی داشتند. همچنین به طور قطع افراد دیگری در زندگی نوجوان حضور دارند که منابع مستحکم‌تر، قابل تکیه‌تر و رشدیافته‌تری برای راهنمایی نوجوان محسوب می‌شوند.

یافته قابل ذکر دیگر این است که اثر سن و جنس بر کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان همجنس، تأیید شد. اما کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان غیرهمجنس، تنها تحت تأثیر سن قرار داشت. بنابراین جنس و تحول هر دو بر کیفیت رابطه دوستانه با همجنس و تحول به تنهایی بر کیفیت رابطه دوستانه با غیرهمجنس تأثیر می‌گذارد. این یافته با پژوهش‌های گیلیگان^۵، ۱۹۸۲، بلنکی^۶، کلینچی^۷، گلدبرگر^۸، و تارول^۹، ۱۹۸۶ نقل از وای و گرینی، ۲۰۰۶) مطابقت دارد. به اعتقاد این پژوهشگران، دختران در فرایند اجتماعی شدن و تحول خود رابطه‌گراتر از پسران می‌شوند و صمیمیت عاطفی در روابط دوستی دخترها بیش از پسرهاست. در حالی که دخترها غالباً تنها برای صحبت کردن دور هم جمع می‌شوند، پسرها معمولاً برای فعالیت‌هایی همچون ورزش و بازی‌های رقابتی گرد هم می‌آیند (بارمستر، ۱۹۹۶ نقل از برک^{۱۰}، ۲۰۰۱/۱۳۸۵). دخترها از دوستی‌های خود انتظار صمیمیتی دارند که با خودافشایی، همدلی، وابستگی متقابل و نیاز به حمایت مشخص می‌شود. اما پسرها بیشتر با گروه‌های بزرگ‌تر تعامل برقرار می‌کنند و بر مشارکت، رقابت

و مهارگری رابطه تمرکز دارند (دی‌گودی و دیگران، ۲۰۰۹). همچنین در مطالعه کاتلر و گریکا (۲۰۰۴)، دختران نوجوان کم‌سن‌تر در تمام کیفیت‌های رابطه تکیه شدیدتری بر بهترین دوست همجنس خود نسبت به دوست پسر خود داشتند، در حالی که دختران نوجوان بزرگ‌تر به طور فزاینده‌ای حمایت بیشتری از دوستان پسر خود نسبت به دوست همجنس، طلب می‌کردند. افزون بر آن فورمن و بارمستر (۱۹۹۲) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های سنی آشکاری در گزارش فرد از افراد قابل تکیه در شبکه روابط وجود دارد. به طور خاص، افرادی که در سنین پیش از نوجوانی بودند، گزارش دادند که بیشتر بر والدین خود تکیه دارند، افرادی که در اوایل و اواسط نوجوانی بودند، اغلب به سمت دوستان خود گرایش داشتند و افرادی که در سنین اواخر نوجوانی بودند بیشتر بر شریک عاطفی و احساسی خود تکیه می‌ورزیدند. در این بررسی نیز افزون بر تفاوت‌های جنسی که در کیفیت رابطه به آن اشاره شده است، نوجوانان گرایش‌های تحولی متفاوتی در رابطه با دوست همجنس داشتند. برای مثال پسران ۱۷ساله بیش از دو گروه سنی پیشین در رابطه با دوست خود عاطفه دریافت می‌کردند، با آنها هم‌نشین بودند و از آنها حمایت می‌کردند؛ هماهنگ با یافته‌های وای و گرینی (۲۰۰۶)، این یافته به افزایش عمق و معنای رابطه در سنین بالاتر در پسران اشاره دارد. همچنین دختران با افزایش سن، خودافشایی بیشتری را نسبت به دوست همجنس خود داشتند. تا حدی که خودافشاگری دختران ۱۷ساله به مراتب از خودافشاگری دختران ۱۳ساله بیشتر بود. این یافته حائز اهمیت، تأکید دوباره‌ای است بر میل دختران نوجوان به نشان دادن صمیمیت با برقراری رابطه کلامی و حرف زدن‌های طولانی. دختران نوجوان ۱۷ساله نسبت به دو گروه پیشین مسائل بیشتری را برای مطرح کردن با دوست خود داشتند و به سبب افزایش سن نیز، از مهارت‌های کلامی و خودآگاهی بیشتری برای خودافشاسازی در برابر دوست صمیمی برخوردارند. در آخر و برخلاف انتظار، بیشترین نمره کیفیت عاطفه، هم‌نشینی، خودافشاگری و حمایت‌ورزی در رابطه با دوست

1. Hunter, F. T.
2. Youniss, J.
3. Jarvinen, D. W.
4. Nicholls, J. G.

5. Gilligan, C.
6. Belenky, M.
7. Clinchy, B.
8. Goldberger, N.

9. Tarule, J.
10. Berk, L. E.

می‌تواند توجیه‌کننده انتخاب کیفیت عاطفه از دید آزمودنی‌های این پژوهش برای رابطه با دوست غیرهمجنس باشد.

در حالی که شواهد پژوهشی مربوط به رابطه با دوست همجنس بسیار هماهنگ با یافته‌های مطالعه حاضر بود، شواهد پژوهشی مربوط به رابطه با دوست غیرهمجنس بسیار متناقض است. این امر به طور مسلم ریشه در تفاوت‌های فرهنگی دارد. مثلاً در یک مطالعه در نوجوانان امریکایی، دختران بیشتر بر ابعاد صمیمیت و کسب حمایت و پسران بیشتر بر جذابیت‌های جسمانی تأکید داشتند (فیرینگ، ۱۹۹۶). در مطالعه‌ای دیگر دختران در جست‌وجوی عاطفه و مراقبت در روابط خود با دوست غیرهمجنس بودند، در حالی که پسران به این روابط به عنوان یک بازی عشقی می‌نگریستند (شالمن و اسکارف، ۲۰۰۰). در بررسی حاضر نوجوانان دختر و نیز پسران ۱۳ و ۱۵ ساله مهم‌ترین کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس را عاطفه و پسران ۱۷ ساله حمایت‌ورزی، گزارش کردند. در مورد عاطفه، واضح است که رابطه با دوست غیرهمجنس به منظور دریافت عاطفه بیشتر شکل می‌گیرد. این روابط محملی است برای نوجوان تا در آن عواطف فیزیکی، عشق و مراقبت را تجربه کنند (دی‌جاگر، ۲۰۱۱). پژوهشگران بسیاری معتقدند که کسب عاطفه از این‌گونه روابط در تحول خود^۲ و توانایی برقراری صمیمیت با افراد مهم زندگی تأثیر بسزایی دارد (فیرینگ، ۱۹۹۶). بنابراین در جامعه کنونی ما، نوجوانان با آزادی‌های نسبی‌ای که نسبت به نوجوانان گذشته یافته‌اند، در پی تجربه نوع جدید و پرهیجان‌تری از عاطفه‌اند. این نوع عاطفه اغلب از دوست غیرهمجنس دریافت می‌شود. بنابراین نوجوانان، بی‌اعتنا نسبت به هرگونه نهی فرهنگی دیگران و احتمالاً دوراندیشی، درصدد دریافت عاطفه‌ای قوی از کسی هستند که گویا جایگزینی برایش وجود ندارد. اما در مورد کیفیت حمایت، همسو با یافته این پژوهش تحقیقات پیشین نیز نشان داده‌اند که نوجوانان دختر در مواقع آشفتگی و غیرآشفتگی تمایل بیشتری به کسب حمایت از جانب دوست غیرهمجنس خود در مقایسه با دوست همجنس دارند (کاتلر و گریکا، ۲۰۰۴). تبیین یکی از پژوهشگران در این باب چنین است که نوجوان برای

غیرهمجنس چه در دختران و چه پسران، متعلق به ۱۷ ساله‌ها نبود. به نظر می‌رسد این یافته همچنان نیاز به بررسی بیشتری داشته باشد، اما تبیینی که در این رابطه به ذهن متبادر می‌شود این است که تا سنین پیش از ۱۷، کنجکاوی نوجوان برای برقراری رابطه با دوست غیرهمجنس بسیار بیشتر است، اما به دلیل آنکه در این سنین، ارتباط با دوست غیرهمجنس تجربه شده است، از میزان جذابیت و کارا بودن آن تا حدی کاسته می‌شود و بنابراین نوجوان ۱۷ ساله انرژی کمتری را نسبت به سنین پایین‌تر برای برقراری رابطه با غیرهمجنس خود صرف می‌کند.

در مورد رابطه با دوست غیرهمجنس نیز، نوجوانان دختر مهم‌ترین بعد کیفیت رابطه را عاطفه می‌دانستند (و برای دختران ۱۵ ساله عاطفه و هم‌نشینی). پسران ۱۳ و ۱۵ ساله عاطفه را اصلی‌ترین کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس و پسران ۱۷ ساله حمایت‌ورزی را مهم‌ترین کیفیت تلقی می‌کردند. همچنین ضعیف‌ترین کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس از دیدگاه دختران و پسران، راهنمایی و کمک مؤثر و نیز پیوند قابل اعتماد بود. این یافته‌ها همسو با یافته‌های پیشین (مانند شالمن^۱ و کپنیز^۳، ۲۰۰۱، فورمن^۴ و سیمون^۵، ۱۹۹۹، کولینز^۶، ۲۰۰۳ نقل از دی‌جاگر، ۲۰۱۱) در تأیید این امر است که عاطفه و حمایت‌ورزی نقش مهمی را در رابطه نوجوان با دوست غیرهمجنس ایفا می‌کند. به عبارتی دیگر دوست غیرهمجنس کسی است که از جانب نوجوان انتخاب می‌شود تا مورد حمایت خاص از جمله برقراری یک رابطه سراسر حمایتی و عاطفی قرار گیرد. این رابطه هر چقدر هم که سطحی و گذرا باشد، دریافت عاطفه و حمایت بالا از آن هدف اولیه ایجاد رابطه است. در واقع رابطه با دوست غیرهمجنس الزاماً رابطه‌ای همه‌جانبه و عمیق نیست. این رابطه ایجاد شده است تا به صورت متمرکز از فرد حمایت به عمل آورد. بدون در نظر گرفتن نتایج مثبت و منفی آن، نوجوان می‌داند که این رابطه نمی‌تواند رابطه‌ای طولانی‌مدت باشد. چرا که در بسیاری از ابعاد، ناقص است. اما باز با این حال او دریافت نوع جدیدی از عاطفه و حمایت را در همین مقطع خاص به محروم بودن از آن ترجیح می‌دهد. این تبیین

1. Shulman, S.
2. Kipnis, O.

3. Furman, W.
4. Simon, V. A.

5. Collins, W. A
6. self

داشتن احساس امنیت نیاز دارد از کسی مراقبت و حمایت کند و اجازه دهد کسی نیز او را حمایت کند (موری، ۲۰۰۵). در واقع شاید بتوان چنین استدلال کرد که نوجوانان، به ویژه پسران، از بین کیفیت‌های موجود در رابطه با دوست غیرهمجنس، حمایت‌ورزی را به عنوان راهی برای کسب احساس امنیت، ابراز عاطفه و مردانگی (هویت) خود انتخاب می‌کنند. با این حال هیچ نشانه‌ای دال بر تأیید تفاوت موجود در زمینه کیفیت حمایت‌ورزی در پژوهش‌های پیشین وجود ندارد. تبیین دیگری که می‌تواند توجیه‌کننده وجود حمایت بالا در رابطه با دوست غیرهمجنس باشد این است که چون این روابط برای نوجوان روابط جدیدی هستند، درگیری شدید در رابطه و وجود توجه زیاد به آن، خود به خود میزان کسب حمایت از رابطه را در نظر نوجوان بالا می‌برد (دی‌جاگر، ۲۰۱۱).

یافته آخر پژوهش حاکی از آن است که کیفیت رابطه با پدر در نوجوانان دختر و پسر دارا و فاقد دوست غیرهمجنس، متفاوت بود. اما این تفاوت در مورد مادران معنادار نبود. بنابراین به نظر می‌رسد کیفیت رابطه نوجوانان فاقد دوست غیرهمجنس با پدران‌شان در هر دو جنس بهتر است. در تبیین این یافته می‌توان دو نوع استدلال ارائه کرد. نخستین استدلالی که برخی از پژوهش‌ها به آن اشاره داشته‌اند بر این امر مبتنی است که فقدان ارتباط مطلوب نوجوانان با پدر، به دلیل کاهش تأثیر نظارتی پدر، زمینه را برای برقراری دوستی با افراد غیرهمجنس فراهم می‌سازد. وجود این رابطه تنش‌زا با پدر، نیاز نوجوان برای کسب حمایت از جانب دوست غیرهمجنس را تشدید می‌کند. بر مبنای استدلال دوم، این فرض وجود دارد که در کشور ما برخورداری از دوست غیرهمجنس برای بسیاری از خانواده‌ها یک خط قرمز تربیتی و فرهنگی محسوب می‌شود. بنابراین نوجوانی که به این حیطة هشدار داده شده قدم می‌گذارد، تنش‌ها و درگیری‌هایی را با پدر که عامل انضباطی خانواده است، تجربه می‌کند. این تنش‌ها به احتمال زیاد در حدی هستند که می‌توانند بر رابطه نوجوان با پدر که عمدتاً رابطه‌ای بر پایه اقتدار، سلطه و جدیت پدانه است تأثیر منفی گذارند. اما رابطه با مادر که رابطه‌ای منعطف‌تر است، کمتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در یک نمای کلی، برای نوجوانان دختر مهم‌ترین ابعاد کیفیت

رابطه با دوست همجنس، عاطفه و خودافشاگری و مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس، عاطفه و هم‌نشینی بود. همچنین برای پسران مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست همجنس، هم‌نشینی و حمایت‌ورزی و مهم‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوست غیرهمجنس، عاطفه و حمایت‌ورزی بود. بنابراین دو بعد تکرارشونده عاطفه برای دختران و حمایت‌ورزی برای پسران کاملاً مشهود است که در تأیید تفاوت کیفیت رابطه در دو جنس است. از سوی دیگر پژوهش حاضر نشان داد که نوجوانان دارای دوست غیرهمجنس با پدر خود رابطه ضعیف‌تری دارند. بنابراین با در نظر داشتن استدلال‌ها و شواهد پژوهشی، به نظر می‌رسد برای پیشگیری از مواجهه با آسیب‌های مترتب در این رابطه، تقویت کیفیت رابطه پدران با نوجوانان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه‌های تربیتی پیش روی والدین است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. یکی از هدف‌های این پژوهش بررسی تحولی کیفیت رابطه نوجوانان با دوستان خود بود، اما به دلیل آن که امکان سازمان‌دهی پژوهش طولی برای پژوهشگر فراهم نبود، تحول دوره نوجوانی به صورت مقطعی بررسی شد و گروه‌های سنی ۱۳، ۱۵ و ۱۷ سال با یکدیگر مقایسه شدند. به نظر می‌رسد که اجرای پژوهش‌های طولی در آینده، نتایج تحولی مستحکم‌تری را در اختیار قرار خواهد داد.

منابع

- اناری، آ.، طهماسیان، ک. و فتح‌آبادی، م. (۱۳۹۰). نگرانی و حمایت اجتماعی در نوجوانی. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۸ (۲۹)، ۳۴-۳۷.
- برک، ل. ای. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی رشد*. ترجمه سیدمحمدی. چاپ ششم. تهران: نشر ارسباران (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۱).
- بولتون، ر. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی روابط انسانی*. ترجمه ج. ر. سهرابی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رشد (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۱۹۸۶).
- تقی‌لو، ص.، شکری، ا.، طولابی، س. و تقوایی‌نیا، ع. (۱۳۹۰). دشواری‌های بین‌فردی در نوجوانان: تفاوت‌های جنسی و سنی. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، ۷ (۲۸)، ۱-۸.
- رایس، ف. (۱۳۸۸). *رشد انسان: روان‌شناسی از تولد تا مرگ*. ترجمه

- differences in adolescents' perceptions of friendships. *Journal of Adolescence*, 32, 1105-1123.
- DeJager, N. (2011).** *Adolescents' relationships in a town in the Western Cape, South Africa*. Unpublished master thesis, University of Stellenbosh.
- Dwyer, D. (2002).** *Interpersonal relationships*. London: Routledge.
- Feiring, C. (1996).** Concepts of romance in 15-year-old adolescents. *Journal of Research on Adolescence*, 6 (2), 181-200.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (2009).** Methods and measures: The Network of Relationships Inventory (Behavioral systems version). *International Journal of Behavioral Development*, 33(5), 470-478.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1992).** Age and sex differences in perceptions of networks of personal relationships. *Child Development*, 63, 103-115.
- Furman, W., & Buhrmester, D. (1985).** Children's perceptions of the personal relationships in their social networks. *Developmental Psychology*, 21 (6), 1016 – 1024.
- Furman, W., & Shomaker, L. B. (2008).** Patterns of interaction in adolescent romantic relationships: Distinct features and links to other close relationships. *Journal of Adolescence*, 31, 771-788.
- Giordano, P. C. (2003).** Relationships in adolescence. *Annual Review of Sociology*, 29, 257-281.
- Kuttler, A. F., & Greca, A. M. (2004).** Linkages among adolescent girls' romantic relationships, best friendships, and peer networks. *Journal of Adolescence*, 27, 395-414.
- Lempers, J., & Clark-Lempers, D. (1993).** A functional comparison of same-sex and opposite-sex friendships during adolescence. *Journal of*
- م. فروغان. چاپ چهارم. تهران: انتشارات ارجمند (تاریخ انتشار اثر اصلی، ۲۰۰۱).
- گلزاری، م. (۱۳۸۳).** نوع، شدت، زمینه‌ها، عوامل و پیامدهای رابطه با جنس مخالف در دختران دانشجوی خوابگاهی دانشگاه‌های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مستقر در تهران در سال ۱۳۸۳. مجموعه طرح‌های مطالعاتی پژوهشگر.
- محمودی، م. (۱۳۸۶).** بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی و سبک عشق‌ورزی به دوست غیرهم‌جنس در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی.
- نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۸۱).** تحولات زیستی، روانی و اجتماعی نوجوان. از مجموعه خانواده و فرزندان در دوره دبیرستان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- Attar-Schwartz, S., Tan, J. P., & Buchanan, A. (2009).** Adolescents' perspectives on relationships with grandparents: The contribution of adolescent, grandparent, and parent grandparent relationship variables. *Children and Youth Services Review*, 31, 1057-1066.
- Bouchey, H. A., & Furman, W. (2003).** Dating and romantic experiences in adolescence. In Adams, G. R. & Berzonsky, M. D. (Eds.), *Blackwell handbook of adolescence*. (pp. 313 – 329). London: Black-well.
- Camparo, L. B. (1995).** *Girls' parent-child relationships, friendships and global self-worth: A biopsychosocial perspective*. Poster presented at the Biennial Conference for the Society for Research in Child Development, Indianapolis.
- Cotteral, J. (2004).** *Social networks and social influences in adolescence*. London: Routledge.
- Cotteral, J. (2007).** *Social networks in youth and adolescence*. London: Routledge.
- De Goede, I. H. A., Branje, S. J. T., & Meeus, W. H. J. (2009).** Developmental changes and gender

- romantic behaviors and perceptions: Age- and gender-related differences, and links with family and peer relationships. *Journal of Research on Adolescence*, 10(1), 99-118.
- Smetana, J. G., Campione-Barr, N., & Metzger, A. (2006).** Adolescent development in interpersonal and societal contexts. *Annual Reviews*, 57, 255-284.
- Way, N., & Greene, M. L. (2006).** Trajectories of perceived friendship quality during adolescence: The patterns and contextual predictors. *Journal of Research on Adolescence*, 16 (2), 293-320.
- Adolescent Research*, 8, 89-108.
- Montgomery, M. J., & Sorell, G. T. (1997).** Differences in love attitudes across family life stages. *Family Relations*, 46, 55-61.
- Murray, S. L. (2005).** Regulating the risk of closeness. *Current Directions in Psychological Science*, 14 (2), 74-78.
- Rubin, K., & Fredstorm, B. (2008).** Future directions in friendship in childhood and early adolescence. *Social Development*, 17(4), 1-13.
- Shulman, S., & Scharf, M. (2000).** Adolescent

Archive of SID